

به نام خدا

با سلام خدمت جناب آقای شهبازی که راه و روش درست زندگی کردن را به ما آموزش می‌دهید و سلام خدمت تمام گنج حضوری های عزیزم خدا را شاکر و سپاسگزارم که این برنامه را سر راه من قرار داده است. و همچنین از مولانای جان نیز سپاسگزارم. و از تمام اعضای گنج حضور که مطالب خود را به اشتراک می‌گذارند و ما در زندگی خود از آن استفاده میکنیم، کمال تشکر را دارم. می‌خواهم دو بیت بر گرفته از برنامه‌ی ۹۰۳ را به اشتراک بگذارم:

اگر نه عشق شمس الدین بدی در روز و شب ما را
فراغت‌ها کجا بودی ز دام و از سبب ما را؟

بت شهوت برآوردی دمار از ما ز تاب خود
اگر از تابش عشقش نبودی تاب و تب ما را

مولوی، دیوان شمس، غزل ۷۱

این دو بیت واقعا کلید است.

این لحظه عشق شمس الدین که عشق خداست؛ عشق زندگیست با فضا گشایی در ما خودش را نشان می‌دهد. و این امکان‌رهایی ماست. این دو بیت می‌گوید اگر عشق خدا و زندگی و تبدیل شدن نبود، آن موقع ما همیشه در من ذهنی می‌ماندیم و در اثر دردهای خودش ما را بیچاره میکرد و دمار از روزگار ما در می‌آورد. وقتی سبب به ما درد انداخت، فضا را باز میکنیم و سبب ساز را می‌بینیم تا درد برود، سبب ساز خداوند است که با قضا و کن فکان پایش را در دل ما می‌گذارد و کار ما را درست می‌کند.

ارادتمند شما خورشید از مهاباد.